

اشکال نوپدید خانواده در ایران و چالش‌های آن

عباسعلی یزدانی* ، سیمین دوستی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱/۲۲

چکیده

خانواده قدیمی‌ترین نهاد اجتماعی در تمام طول تاریخ بشر بوده است اما در دوران‌های مختلف، انواع متفاوتی از خانواده برقرار بوده است. تحولات شکل و کارکرد خانواده یکی از موضوعات جالب برای مطالعات متخصصان حوزه اجتماعی است. با رصد خانواده در کشورهای مختلف در سالیان اخیر به نظر می‌رسد که این تحولات هم سرعت و هم سمت و سوی متفاوتی گرفته و علاوه بر شکل آن، به محتوا و حتی معنای خانواده نیز رسیده است. در این مقاله از روش کتابخانه‌ای و مطالعه و تحلیل اسناد مرتبط، مقایسه و تطبیق‌های ترکیبی و تحلیل آمارهای موجود برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد و شش مورد از مهمترین چالش‌های واحد خانواده و پاسخ‌های جامعه ایرانی به آنها تحلیل شود.

* دانشجوی دکتری مددکاری اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران (نویسنده مسئول).

abbasayazdani@gmail.com

** دانشجوی کارشناسی مددکاری اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران. smsid@yahoo.com

بررسی سمت و سوی تحولات خانواده، سست شدن سازه خانواده به عنوان یک نهاد ارزشمند را نشان می‌دهد. اما برخی معتقدند نوع بشر در حال تجربه و بازسازی خانواده به شکلی متناسب با جهان کاملاً دگرگون شده هزاره جدید است. ایران نیز اگرچه به عنوان یک جامعه نسبتاً سنتی و مذهبی در مقابل این تغییر شکل مقاومت کرده و نسبتاً تأثیر کمتری از آن گرفته اما برخی چالش‌های اساسی در ذهن مردم به ویژه جوانان ایجاد شده است که لازم است با گفتگوی بین نسلی پیرامون آنها، پاسخ مناسبی یافت شود. اما به نظر می‌رسد هنوز عزم و آمادگی جدی برای پاسخ به این چالش‌ها وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: اشکال خانواده، تحولات خانواده، خانواده نوپدید،

خانواده ایرانی

مقدمه

خانواده یکی از نهادهای اجتماعی نخستین است که در اشکال مختلف در هر جامعه‌ای یافت می‌شود. در بقایای سکونت‌های انسان ماقبل تاریخ نیز دلایل روشنی بر وجود اجتماع خانوادگی به عنوان یکی از قدیمی‌ترین نهادهای اجتماعی وجود دارد. خانواده کارکردهای مختلفی داشته است و گذشته از کارکرد فرزندآوری و پرورش کودک، نقش‌ها و وظایف متعدد دیگری از قبیل فعالیت اقتصادی، آموزش و پرورش و اجتماعی کردن فرد را نیز بر عهده دارد. کالینز و همکاران (۱۳۹۳) معتقدند خانواده برای تأمین سلامت اعضا و سلامت جامعه به وجود آمده است.

خانواده در نظرگاه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است. تضادگرایان نظم اجتماعی را مصنوعی و محصول دخالت و نظارت گروه‌های مسلط بر دیگران می‌بینند و دگرگونی‌های اجتماعی را سریع و نابسامان می‌دانند. نظریه پردازان نظم به ویژه کارکردگرایان ساختی، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک را برای جامعه، بنیادی می‌انگارند و بر نظم مبتنی بر توافقی‌های ضمنی تأکید دارند و دگرگونی‌ها را سامانمند و دارای

آهنگی کند می‌دانند (آزادارمکی و همکاران، ۱۳۷۹). جامعه شناسان کلان نگر با تکیه بر قابلیت انعطاف پذیری در خرده نظام‌ها به نفع حفظ کل نظام جامعه معتقدند که خانواده باید خود را با شرایط جدید وفق دهد تا بتواند به بقای خود ادامه دهد. اعضای نظام باید به گونه‌ای در برابر گسترش نظام واکنش نشان دهند که بتوانند در برابر کارکردهای جدید یارای مقاومت داشته باشند (توسلی، ۱۳۸۰: ۱۸۷). زیرا خانواده یکی از مهمترین نهادهایی است که باید وظیفه حفظ الگوهای خرده نظام فرهنگی را ایفا کند. پارسونز به عنوان یکی از مهمترین نمایندگان کارکردگرایان ساختی معتقد است جامعه از طریق ارزش‌ها و هنجارها، کنش اعضای خود را کنترل می‌کند و مانع خروج آنها از چارچوب تحمل نظام می‌شود.

از سوی دیگر، رویکردهای فمینیستی، خانواده ساختارمند را فضایی برای محدود کردن گروه‌های سرکوب شده^۱ و به ویژه تقلیل نقش اجتماعی زن می‌دانند. از نظر این رویکرد ساختار موجود خانواده برآمده از یک تفکر مردانه است (Duman, 2012) و تلاش زنان برای بازیابی جایگاه واقعی‌شان باعث لرزش بنیان نظم تصنعی خانواده‌های مردسالار شده است. در این نگاه، در صورت موفقیت زنان به تعامل یا شکست مردان، خانواده‌های آینده از تعادل قدرت بین مرد و زن برخوردار خواهند بود. تحولات خانواده به مثابه اولین نهاد اجتماعی که هر فرد به آن وارد می‌شود و مهمترین نظام اجتماعی که فرد در آن عضویت دارد موضوع مورد علاقه علوم مختلف اعم از تاریخ، اقتصاد، روانشناسی و جامعه شناسی بوده است. یکی از محورهایی که بسیاری از این علوم به آن علاقمندی نشان داده‌اند مسئله "انواع خانواده" است. انواع خانواده در تاریخ همواره وجود داشته و کم و بیش پذیرفته شده است. اما امروزه مفهوم انواع خانواده ایجاد نگرانی کرده است و متخصصان احتمال می‌دهند که نوع‌بندی‌های جدید و تمایل بیش از اندازه نوع بشر به تفرد، به تلاشی ساختار خانواده منجر شود. در این

مقاله سعی می‌شود تا وضعیت موجود و برخی تحولات ساختاری و کارکردی این گروه مورد بررسی قرار بگیرد.

بیان مسئله

با توجه به تشکیل انواع جدید خانواده که به نظر نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی نظم، به علت فاصله گرفتن از نمونه آرمانی خانواده، یعنی خانواده هسته‌ای، می‌تواند خطر عمده‌ای برای نظام جامعه محسوب شود و از سوی دیگر تغییر در معنای واژه خانواده به عنوان یک سازه بنیادین اجتماعی، اهمیت پرداختن به جنبه‌های مختلف آن را نمایان می‌سازد. واحد اجتماعی‌ای که اکنون نه تغییر در بخشی از آن بلکه می‌توان گفت کل موجودیت و ضرورت آن در معرض تردید و تهدید قرار گرفته است. این چالش در برخی کشورهای غربی بسیار شدید و کاملاً نمایان است. در گزارش سرشماری اخیر در کشور کانادا (۲۰۱۲) هرچند غالب خانواده‌ها به صورت هسته‌ای زن و شوهر و فرزند هستند اما تنوع آنها نگران کننده شده و تعداد ناپدری/نامادری و یا مادران تنها^۱ و فرزندان^۲ که با پدربزرگ/مادربزرگشان زندگی می‌کنند نشانگرهای تهدیدکننده‌ای برای خانواده هسته‌ای سنتی محسوب می‌شود. تعداد خانواده‌های کانادایی که از زوج هم جنس تشکیل شده‌اند در فاصله سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ (پنج ساله اول قانونی شدن آن در کانادا) سه برابر شده و در سال ۲۰۱۱ تنها ۳۹٫۲ درصد خانواده‌ها صاحب فرزند بوده‌اند. وضعیت مشابهی در برخی از کشورهای اروپای شمالی به ویژه جوامع اسکانديناوی قابل مشاهده است. در سرشماری سال ۷-۲۰۰۶ استرالیا حدود ۴۰ درصد خانواده‌ها را زوجین بدون فرزند شامل می‌شدند (Australian Bureau of Census, 2016) براساس سرشماری ۲۰۱۵ فنلاند تعداد خانواده‌های هسته‌ای بدون فرزند، خانواده‌های همباش^۳ دارا یا بدون فرزند در حال رشد است. (Finland Statistics,)

-
1. single mothers
 2. cohabit

(2016). وضعیت مشابهی در کشوری اروپایی مانند هلند هم قابل رویت است. در آمریکا بسیاری از زنان ترجیح می‌دهند تا به صورت همباشی با یک مرد زندگی کنند و فقط گاهی ممکن است این نحوه زندگی به ازدواج منجر شود. با توجه به این که با افزایش مدت همباشی احتمال فرزندآوری بدون ازدواج هم بیشتر می‌شود و در حال حاضر به طور میانگین تا ۲ سال این همباشی‌ها به طول می‌انجامد (Copen, Daniel, Mosher, 2013) گویی باید فایل جداگانه‌ای برای فرزندهای بدون والدین ازدواج کرده هم باز کرد.

در ایران نیز علیرغم کنترل‌های رسمی و غیررسمی قابل توجهی که وجود دارد خبرهای متنوعی از خانواده‌های نوین شنیده می‌شود. خبرهایی که عمدتاً با تیرهای همباشی، ازدواج سپید، ازدواج سیاه و امثال آن شنیده می‌شود. البته در ایران با توجه به جرم بودن برخی از خانواده‌های مذکور، عملاً امکان سنجش کمیت و کیفیت این خانواده‌ها به صورت رسمی و آکادمیک میسر نیست. همچنین بررسی متغیرهایی مانند نرخ ازدواج، طلاق (به ویژه طلاق توافقی)، فرزندآوری، میانگین سن ازدواج، خانواده‌های تک والد مانند زنان سرپرست خانوار، بیانگر تغییرات محسوس در شکل خانواده‌های ایرانی است. به طوری که به طور میانگین در نه ماهه سال ۹۴ از هر ۴,۳ ازدواج یک مورد به طلاق منجر شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). این رقم در کلانشهرها بیشتر و حتی در جایی مانند شمیرانات تهران به ۵۷ طلاق از هر ۱۰۰ ازدواج بالغ شده است (تسنیم، ۱۳۹۴). اگرچه با توجه به غیرقانونی بودن خانواده‌های غیرازدواجی آمار قابل استنادی از وجود یا کمیت انواع خانواده‌ها در دست نیست. در مواد ۲۵، ۲۶ و ۲۷ قانون جدید "حمایت خانواده" مصوب ۱۳۹۱ طلاق‌های توافقی تدابیری در نظر گرفته شده است. با توجه به تبدیل شدن خانواده‌های طلاق به خانواده‌های یک والدی، یک نفره یا چندنسلی به نظر می‌رسد فراوانی خانواده‌های غیرهسته‌ای سنتی به مرور افزایش خواهد یافت.

با توجه به مطالب گفته شده و بر اساس واقعیت‌های موجود، این مقاله سعی خواهد کرد که ضمن مرور و بررسی تحولات شکلی خانواده در ایران و جهان به این سوال پاسخ دهد که سمت و سوی تحول در ساخت و کارکرد خانواده‌های ایرانی به عنوان یک جامعه در حال تحول چگونه است.

روش پژوهش

در این مقاله از روش کتابخانه‌ای و مطالعه و تحلیل اسناد، مطالعه دایره‌المعارف‌های مرتبط، وبسایت‌های رسمی، مقالات و کتب مرتبط، مفایسه و تطبیق‌های ترکیبی و تحلیل آمارهای موجود برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. در این مقاله همچنین سعی شده است تا با استفاده از تعاریف رسمی کشورهای مختلف دنیا، جمع‌بندی از تحولات پذیرفته شده خانواده در جهان صورت گیرد.

مفهوم خانواده و کارکردهای آن

از خانواده یک تعریف مرجع و سنتی وجود دارد که سال‌های سال مبنای تعریف و تحلیل‌های مرتبط با این موضوع بوده است. این تعریف را جامعه‌شناسی به نام جرج مرداک^۱ در میانه قرن بیستم ارائه داد: خانواده یک گروه اجتماعی است که اعضای آن به وسیله دودمان، ازدواج یا فرزندخواندگی با یکدیگر پیوند برقرار می‌کنند و نیز کسانی که در زندگی با هم از تشریک مساعی در تامین درآمد، اقتصاد زندگی و نگهداری از فرزندان برخوردار هستند (رابرتسون، ۱۳۷۷).

در بند ۳ ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۹۴۸ پس از مشروط کردن ازدواج به رضایت طرفین، سن قانونی (کامل)، برابری حقوق از شروع تا پایان و فراغت از محدودیت‌های نژادی، قومیتی، ملیتی و مذهبی خانواده را اینگونه تعریف می‌کند: "یک گروه طبیعی و بنیادین از جامعه که باید از سوی جامعه و دولت مورد

1. George Murdock

محافظت قرار بگیرد." (UN, 1948) خانواده همچون سایر نهادهای جامعه وظایف و کارکردهایی دارد.

برای خانواده کارکردهای متعددی برشمرده‌اند. ویرجینیا ستیر^۱ به عنوان یک مددکار اجتماعی هفت کارکرد را برای خانواده متصور است: فراهم کردن تجربه دیگرخواهی، تولید نسل، آموزش همکاری اقتصادی (تقسیم کار)، حفظ حریم و تابوها، انتقال فرهنگ به فرزندان (انتقال عواطف، ارتباطات و...)، تشخیص زمان بلوغ و بزرگسالی و تغییر نقش‌ها و نهایتاً فراهم کردن مراقبت‌های والدینی برای فرزندان. روانشناسان سعی می‌کنند از این کارکردها برای بازسازی ساختار خانواده‌ها و نقش اعضای آن استفاده نمایند. ویلیام اف. آگبرن هم در سال ۱۹۳۴ شش کارکرد اصلی را برای خانواده مطرح کرد که عبارتند از: ۱. تولید مثل؛ ۲. حمایت و مراقبت؛ ۳. جامعه پذیری؛ ۴. تنظیم رفتار جنسی؛ ۵. عاطفه و همراهی؛ ۶. اعطای پایگاه اجتماعی (بستان، ۱۳۸۸). پارسونز دو کارکرد اصلی برای خانواده قائل است: اجتماعی کردن فرزندان (درونی کردن ارزش‌ها و هنجارها) و حفظ شخصیت بزرگسالان (تثبیت شخصیت). به عقیده پارسونز، خانواده در جامعه صنعتی تمام کارکردهای خود را از کف داده و منزوی شده است. وی راه حل حفظ خانواده را حمایت از خانواده هسته‌ای با تفکیک نقش زن و شوهر در آن می‌داند (پروین و همکاران، ۱۳۹۱). علاوه بر تأمین نیازهای اولیه معیشت، نیاز به عواطف و عشق و رفع نیاز به سرگرمی جزء کارکردهای فرعی خانواده تشخیص داده می‌شوند.

اما پاره‌ای از متخصصان در آسیب شناسی خانواده، کارکردهای منفی را نیز برای آن قائل شده‌اند. اعتیاد والدین یکی از عوامل خطرزای اعتیاد کودکان و نوجوانان شناخته شده است. (آخوندی، ۱۳۸۶؛ نعمتی، ۱۳۹۱) تأثیر منفی خانواده بر فرایند رشدی فرزندان در رابطه با متغیرهای دیگری مانند: خشونت درون خانواده،

روسپیگری، بزهکاری و امثالهم نیز تأیید شده است. خانواده ضداجتماعی که فرار از قانون و هنجارها انجام می‌دهد الگوی نامناسبی را در دسترس شهروندان نسل بعدی می‌گذارد. (بهروان و بهروان، ۱۳۹۲) خانواده‌ای که کنترل اجتماعی ضعیفی روی فرزندان اعمال می‌کند و روند درونی سازی ارزش‌ها و سایر مولفه‌های فرهنگ عمومی را به انحراف می‌کشاند. فرزندان که درون خانواده در دوران کودکی با کمبود محبت مواجه‌اند احتمال انحراف از معیارهای جامعه در آنها بسیار بالاتر است. (صالحی و همکاران، ۱۳۹۱) از سوی دیگر فقدان مسئولیت‌پذیری در صورت محبت زیادی، یکی دیگر از اتفاقاتی است که خانواده بدکارکرد می‌تواند برای نسل بعد به ارمغان بیاورد. (همان)

تاریخچه تحولات خانواده در جهان

بر اساس مستندات موجود، قدیمی‌ترین ساختاری که از خانواده‌های بشر می‌توان گفت، خانواده‌های مادرتبار بودند و آن عبارت بود از کلنهایی که همه از ریشه مشترک نشأت گرفته بودند و خود را به یک توتم مقدس و افسانه‌ای متعلق می‌دانستند. آنچنان که فروید (۱۳۶۲) در توتم و تابو شرح می‌دهد توتم بنیان حفظ ارتباط محارم درون خانوار و عامل ایجاد یکی از مهمترین ارکان ساختار خویشاوندی بود. وی معتقد بود که افراد کلن، توتم را در میان خود برجسته و تابو می‌کردند تا بتوانند هدف‌های کارکردی خود را محقق کنند. هدف‌هایی مانند: حفظ اعضای کلن به ویژه زنان و کودکان، حفظ بزرگان و روسای کلن، پیشگیری از اختلالاتی که حین ازدواج یا تولد ممکن است پیش آید، کمک به نوزادان در برابر خطرات بزرگ و حفظ ابزارها و املاک کلن و امثالهم.

درباره گونه شناسی خانواده و سیر تحول آن در اروپا نظرات مختلفی وجود دارد. بسیاری از جامعه‌شناسان تصور می‌کنند که شکل رایج خانواده در اروپای قرون وسطی، دست کم در قسمت‌های غربی قاره اروپا خانواده هسته‌ای بوده است. اما به

عقیده گیدنز خانوارها بزرگتر از امروز بودند، اما این بزرگی به واسطه وجود خدمتکاران خانگی بود و نه خویشاوندان. در انگلستان در سراسر قرن‌های هفدهم، هجدهم و نوزدهم بعد متوسط خانوار ۷۵/۴ نفر بود. متوسط کنونی ۰۴/۳ است. گروه‌های خانواده گسترده، ظاهراً در شرق، اروپای شرقی و روسیه مهمتر بودند (گیدنز، ۱۳۸۹: ۴۲۸). اما به عقیده بسیاری از نویسندگان، تحول خانواده جدید با صنعتی شدن اروپای غربی شروع شد که طی آن سنت‌های دیرپای خانواده رو به زوال رفتند و انقلابات فکری ایجاد شدند. این پژوهشگران دلایل این تحول را عموماً در بیرون آمدن زنان از اندرونی خانه به کارخانه، اشاعه تحصیلات و عقب رفتن سن کار و نتیجتاً بر هم خوردن تعادل در مناسبات مالی و اقتصادی خانواده، جدایی فرزندان از سرپرستی پدر و مادر و نتیجتاً پذیرش ارزش‌های جدید، تغییر خصوصیات شکل تولید و مصرف، تحرک نیروی کار، افزایش فعالیت‌های خدماتی و صنعتی و افزایش بالای مصرف‌گرایی می‌دانند (بهنام، ۱۳۵۶: ۱۰). در اوایل قرن بیستم گفته می‌شد که خانواده، نهاد کهنه‌ای است که دوران آن به سر آمده است و جای آن را شکل‌های جدیدی از زندگی گروهی و پرورش جمعی کودکان خواهد گرفت. (همان) بعد از جنگ، خانواده در جوامع غربی نه فقط به عنوان یک واحد شخصی بلکه به عنوان جزئی از یک جامعه بزرگ به نام جامعه انسانی محسوب می‌شد. به همین دلیل فرد تنها خود را مسئول خانواده نمی‌دید بلکه مسئولیت‌های جمعی و عمومی برای خود قائل بود (همان: ۱۱). بعد از جنگ دوم جهانی، خانواده با یک تغییر شکل اساسی از خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای و زن و شوهری، دوباره اهمیت یافت.

کالینز و همکاران (۱۳۹۳) در کتاب مددکاری اجتماعی خانواده می‌نویسند: "ساختار خانوادگی در آمریکای شمالی متنوع است و خانواده هسته‌ای به معنای وجود یک مرد نان‌آور خانواده و یک زن تمام خانه دار صرفاً در یک دوره کوتاه مدت و بیشتر شامل سفیدپوستان طبقه متوسط بوده است و امروز کمتر از ۱۰ درصد خانواده‌ها اینگونه زندگی می‌کنند.... این نوع خانواده عمدتاً در دهه ۱۹۵۰ وجود داشت (کالینز و

همکاران، ۱۳۹۳: ۴۹). امروزه با وجود آنکه هنوز خانواده هسته‌ای دارای حرمت و ارزش است اما گونه‌های نوینی از خانواده به صورت رسمی پذیرفته شده‌اند که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.

برای نمونه در سایت مرکز آمار فنلاند تعریف مبسوطی از خانواده ارائه شده است که در سرشماری‌های دوره‌ای ملاک عمل قرار می‌گیرد. در این تعریف، زوجهای ازدواج کرده، همباش، زوج هم جنس (از سال ۲۰۰۲ رسمی ت یافته است) و زوج ازدواج نکرده رسمی^۱ یا در برخی کشورها مفهومی به نام همسر اجتماعی^۲ نهاده شده است. البته در این کشور، این نوع آخر به لحاظ قانونی حائز رسمی ت دانسته می‌شود (government of Netherlands, 2016). در سایت رسمی دولت هلند خانواده‌های قانونی به طور رسمی قید شده و حقوق قانونی، مالیات و شرایط بچه دار شدن آنها نیز به طور روشن اعلام شده است. اتحادیه اروپا نیز با توجه به کثرت کشورهای که "انواع خانواده‌ها" را به رسمی ت شناخته‌اند قوانین شهروندی، مهاجرت و عبور و مرور را تعیین کرده است. (europa.eu, 2016). اما در جوامع شرقی، آفریقایی و حتی استرالیا چنین عناوینی به رسمی ت شناخته نمی‌شوند و خانواده همان تعریف سنتی را دارد. (Japan census office, 2016; census of india organization, 2016; statistecs south Africa, 2016, Australian bureau of statistics, 2016). بر اساس تحقیقی که در ایالات متحده انجام شده قریب به نیمی از زنان ۱۵-۴۴ ساله ترجیح می‌دهند قبل از ازدواج یک دوره همباشی را تجربه کنند و این دوره به طور متوسط تا حدود ۲ سال (۲۲ ماه) به طول می‌انجامد. این مدت برای برخی مهاجرین تا ۱۱ ماه (متوسط ۳۳ ماه) بیشتر می‌شود. حدود ۴۰ درصد این رابطه به ازدواج منتهی شده است. مشکلات اقتصادی یکی از مهمترین دلایل این انتخاب است (Copen et al, 2013). این در حالی است که تعداد خانواده‌های تک نفره، تک والد با فرزند (ناشی از طلاق یا

1. registered partnership
2. civil partnership

فوت یکی از زوجین) و خانواده‌های با ازدواج مجدد تقریباً در همه کشورهای یادشده در حال ازدیاد است.

تاریخچه تحولات خانواده در ایران

درباره وضعیت خانواده در دوران باستان نگاه‌های متفاوتی وجود دارد. برخی مورخان از وضعیت اجتماعی دوران شاهنشاهی قبل از اسلام دفاع می‌کنند و حقوق بشری که خانواده نیز جزئی از آن است را بخش مترقی تمدن ایران باستان می‌دانند، اما آیت الله مطهری در ذمّ روابط خانوادگی ایرانیان پیش از اسلام از رسوم نقل می‌کند که بعد از اسلام کراهت یافتند. وی با نقل مطلب زیر از یکی از کتب باستانی ایران به ازدواج با محارم و تبلیغ آن می‌تازد: به "نیک شاپور" از دانشمندان زمان خسرو اول نوشین روان نسبت می‌دهند که می‌گوید: در آسمان دوم روان‌های کسانی دیده شده که "خویتک دس" (ازدواج با محارم) کرده بودند و تا جاویدان آمرزیده شده بودند و در دورترین جاهای دوزخ روان زنی گرفتار عذاب جاودانی دیده شده که خویتک دس را بر هم زده است... "نوسای برزمهر" از روحانیون زردشتی... در تفسیر بخشی از دینکرت سوده‌های بسیاری برای این گونه زناشویی آورده و گفته است که گناهان جانکاه را جبران می‌کند. (مطهری، ۱۳۵۶: ۲۹۳) وی همچنین از رسوم چندزنی، حرمسرا داری و مردسالاری دوران ساسانیان که بعد از اسلام محدود شد به کنایات فراوان انتقاد می‌کند.

خانواده سنتی بعد از اسلام پدرتباری، پدرمکانی و پدرسالاری بود. (بهنام، ۱۳۵۶: ۱۳) در خانواده‌های آسیایی و افریقایی ارشدیت مردان و سالمندان و سلسله مراتب مبتنی بر اطاعت، مشهود بود و این شاخصی برای اهمیت و قداست قدمت و قدیمی بودن بود (همان: ۱۵). در این فضا مهمترین هدف ازدواج، تولید نسل است و بنابراین مادربودن مهم و بی فرزند بودن محکوم و زن بیش از هر دارایی دیگر، نماد

مستقیم ناموس است (همان: ۱۶). این ذهنیت تا سال‌های معاصر هم به نوعی ادامه داشت و خانواده ایرانی با اصالت با نماگرهایی مثل خانه بزرگ، بُعد خانوار وسیع، قدرت بی‌منازع پدر و پدربزرگ و اولویت افراد ذکور بر زنان خانواده شناسایی می‌شد. بزرگ بودن اندازه خانوارها در پیش از انقلاب اسلامی ایران کاملاً مشخص بود. بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۴۵ حدود ۱,۸۳ درصد افراد خانواده‌های شهری و ۰,۸۳ درصد خانوار روستایی، گروه خدمه و اعضای غیرخویشاوند آن خانوار بودند. در حالی که خانوار به معنای یک واحد آماری که از یک منبع درآمدی استفاده می‌کنند، زیر یک سقف می‌خوابند و از یک سفره غذا می‌خورند بود (نقل از بهنام، ۱۳۵۶: ۱۹). شواهد وجود خانواده‌های این چینی که متعلق به اشراف، ملاکان، روحانیون و تجار عهد قاجاری بودند را می‌توان در خانه‌های تاریخی کاشان مشاهده کرد. اما به نظر می‌رسد شکل غالب خانواده در توده مردم هسته‌ای تک همسری بود. در سال‌های بعد از انقلاب اوضاع همداستان با تحولات جهانی تغییرات قابل توجهی کرد. در حال حاضر بخش اصلی خانواده در ایران خانواده هسته‌ای دو نسلی است.

برخی چالش‌های خانواده و پاسخ جامعه ایرانی

قابل انکار نیست که خانواده جهان امروز در حال تغییر و تحول است. همانگونه که طی قرن‌ها و نسل‌ها این تحولات اتفاق افتاده است. اعطای آزادی‌های بی‌حد و حصر برخی خانواده‌ها به فرزندان، اعتماد به جامعه برای جامعه‌پذیری نسل‌های نوپا، دور کردن فرزندان از محیط خانواده به دلیل اشتغال والدین و رها کردن کودکان و خردسالان در مهد کودک‌ها و مراکز آموزشی از جمله مشکلاتی است که کارکرد خانواده‌ها را با چالش جدی مواجه کرده است. اما جامعه در حال گذار ایرانی به هر یک از تحولات یادشده به نحوی متفاوت پاسخ می‌دهد:

۱. **درونی کردن فرهنگ:** در یک تعریف، فرهنگ عبارت است از "مجموعه‌ای

از عقاید و باورها که با تلاش‌های یک گروه به منظور فایق آمدن بر مشکلات تطابق

بیرونی و یگانش درونی توسعه می‌یابد" (نقل از آزادارمکی و همکاران، ۱۳۷۹) بر اساس این تعریف کارکردگرایانه، تجارب کلی نسل جدید و تلاش‌های افراد و گروه‌ها در سازگاری با محیط نقش موثری در تغییرات اجتماعی و فرهنگی دارد. به عبارت دیگر بخش‌هایی از فرهنگ که بتواند برای سازگاری با شرایط به کار جامعه بیاید به نسل بعد منتقل می‌شود. اگر بپذیریم که خانواده اولین نهاد در درونی کردن/انتقال فرهنگ (ارزش‌ها و هنجارها) در جامعه است آنگاه باید در جستجوی راه جایگزین مشروع برای این کارکرد خانواده بگردیم زیرا با موارد پیش گفته به نظر می‌رسد که والدین توان ایفای این نقش در جایگاه والدینی را ندارند. در حال حاضر رسانه ملی و شبکه‌های موجود در فضای مجازی بخش زیادی از این نقش را بر دوش می‌کشند و بسته‌های فرهنگی را تولید و در اختیار نسل‌های مختلف قرار می‌دهند. پیش از این مساجد و تکایا نیز در همین بخش فعالیت می‌کردند اما واقعیت‌های موجود نشان از عدم تکافوی قدرت و اقتدار مساجد در جذب کودکان و نوجوانان دارد. این وظیفه یکی از منافذی است که فرهنگ سازان باید برای پر کردن خلأهای آن برای ممانعت از نفوذ جایگزین‌های نامطلوب، فکری کنند.

۲. **برون سپاری نقش‌ها:** از شروع انقلاب صنعتی بیرون رفتن نقش درآمد زایی از درون خانواده آغاز شد. نان در دنیای مدرن نه درون خانه که بیرون خانه و در "محل کار" تهیه می‌شود. اتفاق مشابه برای آموزش و تحصیلات نیز افتاده است. پارسونز معتقد بود که ایجاد نهادهای هم ارز خانواده برای ایفای نقش‌های سنتی خانواده، فضا و زمان را برای کارکرد جامعه پذیری خانواده بازتر خواهد کرد (کرایب، ۱۳۷۸: ۶۴ و ۶۵). اما در سال‌های اخیر مبحث موسسه‌ای شدن و موسسه زدایی مخالفان و موافقان زیادی را داشته و موضوع همایش‌ها و بحث‌های علمی فراوان بوده است. نزاعی که یک سر آن بر اهمیت وجود یک فضای جایگزین برای خانواده و نقش‌های آن است و یک سر دیگر بر بهبود کیفیت زندگی کسانی است که خانواده تاب نگهداری آنها را ندارد. این مبحث ابتدا از نگهداری کودکان ناتوان جسمانی،

ذهنی و بیماران روانی و صعب‌العلاج شروع شد و امروز دامنه آن به موسسات عمومی مانند مدرسه و مهدکودک^۱ رسیده است (ایلیچ، ۱۳۸۹). منفک شدن نقش‌ها از جایگاه والدینی البته به تربیت فرزندان یا مراقبت از عضو ناتوان ختم نمی‌شود بلکه به وظایف روزمره خانواده مانند شستشوی لباس، پخت غذا، پذیرایی از مهمانان و آرایش و پیرایش شخصی به بیرون از خانواده سپرده شده است. با توجه به این که برون رفتن هر وظیفه، به همان اندازه به کاهش قدرت صاحب آن نقش منجر می‌شود به نظر می‌رسد باید منتظر تغییر در ارکان قدرت درون خانواده باشیم.

۳. **تحول ساختار قدرت:** همچنان که در مقدمه بحث آمد، رئیس خانواده در طول تاریخ بشر از مادر خانوار به پدر خانوار (ریش سفید) و بعد از آن به پدر خانواده هسته‌ای رسیده است. در سال‌های اخیر با تمایل والدین به ایجاد محیط دموکراتیک، در درون خانواده با نوعی سردرگمی در وجود یک منبع اصلی قدرت درون خانواده مواجهیم. شاید سال‌های آینده بتواند ارتباط افقی اعضای خانواده باهم را آسانتر بپذیرد. اما در حال حاضر واکنش‌های والدینی که فعالانه در جستجوی آموختن "روش‌های والدگری" هستند نشان از تلاش خانواده برای حفظ ساختار قدرت طولی است. برخی تحقیقات مشاوران و روانشناسان در مورد سبک‌های والدگری نشان می‌دهد که روند انتخاب سبک در ایران از استبدادی به اقتدارگرایانه و در دهه اخیر به سبک ولنگارانه کشیده شده است.

۴. **نحیف شدن ارتباط بین نسل‌ها:** در جامعه امروز ایران با چند شکاف (و نه یک شکاف) نسلی مواجهیم. نسل در نظر متخصصان جامعه شناسی "به مجموعه افرادی که ترجیحا در یک بازه سنی قرار دارند و تجربیات مشترک دارند" (یزدانی و قادری، ۱۳۹۰) تعریف می‌شود. تغییرات ارزش‌ها، نگرش‌ها و حتی قواعد رفتاری نسل جوان نسبت به نسل پیش از خود از دهه‌های قبل آغاز شده و فراگیری آن امروز بارزتر شده است. شروع این تغییرات را یکی از عوامل وقوع انقلاب اسلامی ایران

می‌دانند. عده‌ای برای تبریته نسل انقلاب ساز از وجود شکاف نسلی با پدران خود سعی کرده‌اند تا نوک پیکان تحلیل‌شان را مستقیم به روی نسل سوم و چهارم انقلاب نشانه بروند و آنها را نسبت به نسل پیش از خود "خودسر و بی توجه به ارزش‌ها" نشان دهند (یزدانی و قادری، ۱۳۹۰؛ محمدی، ۱۳۸۶؛ مظاهری سیف، ۱۳۸۴). با مطالعه تاریخ بشر و توجه به این موضوع که اساساً تغییر نگرش‌ها و وجود تفاوت‌ها باعث توسعه جامعه (چه در مسیر مطلوب و چه در مسیر نامطلوب) می‌شود شاید بهتر باشد به جای عنوان شکاف که به نوعی مبین فقدان انسجام و گسیختگی در جامعه است از واژه تفاوت نسل‌ها و تغییر نگرش‌ها و ارزش‌ها استفاده شود.

۵. **تعارض ارزشی:** گفته شد که شکاف نسلی که بیانگر نوعی انقطاع نسل‌هاست به قدر کافی مبین وضعیت موجود جامعه ایران نیست. این ادعا از مقالاتی مثل آنچه ساروخانی و صداقتی (۱۳۸۸) ارائه کرده‌اند تأیید می‌گردد. این نویسندگان دریافته‌اند که "تفاوت قابل ملاحظه‌ای در عرصه ارزش‌های خانوادگی میان نسل‌ها وجود ندارد و کماکان نوعی وفاق قابل قبول بین نسل جوان و بزرگسال دیده می‌شود." نتیجه‌ای که کلیت آن با گزارش کمیته تحقیق انجمن ملی اولیاء و مربیان در سال ۱۳۵۲ همخوانی جالبی دارد. (نقل از ساروخانی و صداقتی، ۱۳۸۸) اما همین محققین عنوان می‌کنند که "در عرصه زندگی خصوصی آحاد جامعه این تضاد و تعارض موضوعیت دارد". گزارشی که از "طرح بزرگ تحولات اجتماعی فرهنگی خانواده در شهر تهران" منتشر شده (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۷۹) وجهه‌ای خوش بینانه به تحولات خانواده می‌دهد و با قبول ایجاد "تفاوت‌های" بسیار محدود در سه نسل از خانواده‌های تهرانی، این تغییرها را با توجه به درحال گذار بودن جامعه ایرانی، کاملاً طبیعی و کم اهمیت می‌داند. گزارشی که از قم در ابتدای دهه ۸۰ تهیه و منتشر شد (مصرآبادی، ۱۳۸۱) نیز وجود شکاف ارزشی بین نسل فرزندان و والدین را قابل توجه دانسته است. حفظ ساختار و برخی روابط درون خانواده از سوی نویسندگان غربی نیز تأیید می‌شود (برای نمونه دیوید چیل، ۱۳۸۸).

۶. تولید موالید بیرون خانواده: تولید مثل و بقای نسل در اکثریت قریب به اتفاق نوشته‌های مرتبط با خانواده به عنوان مهترین کارکرد خانواده ذکر می‌شود. هنوز هم این وظیفه مهترین وظیفه خانواده است با این تفاوت که بشر امروز معنای دیگری از تولید مثل در ذهن خود ایجاد کرده است. به نظر می‌رسد تولد فرزند نه یک وظیفه که تنها یک انتخاب است. از یک سوی، حتی بدون لقاح طبیعی نیز از طریق پیشنهادات فن آوران امکان انجام آن کاملاً وجود دارد. از سوی دیگر، اولویت فرزندآوری بسیار پایین تر از لذت بردن از رابطه زناشویی است. اما ظاهراً این چالش هنوز در هیچ جای جهان حل نشده است. هرچند تولد فرزندان ناخواسته قدمتی تاریخی دارد و حتی به شهادت گیدنز (۱۳۸۹) در قرون وسطی مرد مجاز بود باروری زن آینده اش را قبل از ازدواج امتحان کند و به همین جهت تعداد فرزندان نامشروع در آن دوران بسیار بالا بود اما کاملاً پذیرفته می‌شدند (گیدنز، ۱۳۸۹: ۴۲۸). امروزه نیز معضل مادران تنها و فرزندان نامشروع یکی از مهترین چالش‌های جهان غرب (واخیرا جهان شرق و حتی کشورهای اسلامی) محسوب می‌شود. آمار ۲۲۰ هزار سقط جنین در کشور (۲۱۴ هزار مورد بدون مجوز) (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۵) اگرچه لزوماً نشانه‌ای از ارتباطات خارج از ازدواج نیست اما ممکن است نشانه‌ای از ضعیف شدن نقش فرزندآوری خانواده باشد.

مقاومت جامعه در مقابل تحولات

با وجود مباحث مطرح شده، برخی موانع، امکان بروز یکباره تحولات را نمی‌دهد. در تحلیل این تاب آوری خانواده باید به ارتباط ارگانیک خرده نظام خانواده با سایر خرده نظامها به ویژه خرده نظام فرهنگی و خرده نظام اجتماعی (که در سامانه عظیم پارسونز در یک سطح بالاتر قرار دارند) توجه کرد. به نظر می‌رسد که راز ثبات خانواده طی اعصار مختلف را علاوه بر نیاز بیولوژیک بشر به آن، باید در انعطاف پذیر بودن آن و

ارتباط ساختاری اش با مجموعه‌های دیگر جامعه دانست. نظام خانواده خود زیربنای ایجاد نظامها و سازوکارهای دیگر در جامعه است و رمز بقای برخی خرده نظام‌های اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی است. از جمله مواردی که می‌توان به عنوان موانع فروپاشی خانواده هسته‌ای در جامعه ایرانی از آنها نام برد عبارتند از:

۱. حرمت و ارزش خانواده در سنت ایرانیان که هر گونه بی احترامی یا تعرض به آن را با واکنش غیررسمی قابل توجهی پاسخ می‌دهد. همچنان که گفته شد خانواده ایرانی در دوران معاصر بیشتر بر خانواده هسته‌ای متمرکز است و زندگی خانواری (شامل چندخانواده خویشاوند) را بی آنکه نهی کند به کناری نهاده است.

۲. هم‌نوایی دستگاه حکومت با برخی ارزش‌های غیررسمی که احترام به ساختار و موجودیت خانواده یکی از آنهاست. نظام کنترل رسمی اهانت و ساختار شکنی در حوزه خانواده را به شدت سرکوب می‌کند. این کنترل البته هم جنبه امنیتی و هم جنبه ایدئولوژیک دارد حتی در پاره‌ای از مجامع علمی سخن گفتن در باب وجود یا گسترش "انواع خانواده" ممکن است با محدودیت‌هایی مواجه گردد.

۳. مقاومت سستی مردم ایران با تغییرات از بیرون (برون زا) یکی دیگر از این موانع است. در طول تاریخ هر گونه تحول در وضع موجود که موجب آشفتگی نظم رایج یا ایجاد سنت‌ها و رویه‌های جدید بوده با مقاومت بخش غالب ایرانیان مواجه شده است. در سال‌های اخیر و با توجه به تشعشعات جهانی سازی (شدن) بخشی از جامعه که اعضای تحصیلکرده و جوان را دربر می‌گیرد، با تردید به واقعیت‌های پیرامون خود می‌نگرند و از تحولات کمتر متعجب می‌شوند و سعی در پذیرش انتقادی آن دارند.

۴. نقش مذهب در کنار ارزش‌های سنت یکی از عوامل تعیین کننده در حفظ بافت هسته‌ای خانواده است. در مطالعات جدید کماکان تأثیر دین بر عدم پذیرش انواع جدید خانواده تأیید می‌شود (Kristen Schultz and Hiroshi, 2012). شریعت اسلام به ارکان خانواده به ویژه احترام به والدین و سالمندان اهمیتی در حد وجوب

قائل است. تأکیدی که در اسلام بر تشکیل خانواده از طریق ازدواج، ازدواج با جنس مخالف (مثل ذم پدیده لواط در سوره لوط)، دستورالعمل‌های جزئی در تربیت فرزندان و امثال آن وجود دارد می‌تواند برای باورمندان آن نقش کنترلی موثری داشته باشد.

دلایل تحولات خانواده

تغییرات و تحولات خانواده امروز را باید از دو منظر نگریست؛ برخی از تحولات، روند مشترک تغییر خانواده‌ها در جوامع مختلف جهان و برخی منحصر به ایران است. اما به طور خلاصه می‌توان موارد زیر را برشمرد؛ با یادآوری تمایز واژه دلیل و علت و این که در اینجا دلایل تغییر و تحولات بررسی می‌شود و ممکن است علت واقعی آنها نباشند.

۱- مهاجرت و التقاط نسل‌ها و نژادها یکی از دلایل اجبار به تغییر در خانواده‌هاست. گیدنز (۱۳۸۹) در توضیح وضعیت مهاجرین آسیای جنوبی به انگلستان در دهه ۱۹۵۰ به یکی از این رخدادها اشاره می‌کند. مهاجرینی که از شبه قاره هند به این کشور رفته بودند متوجه عدم اعتقاد انگلیسی‌ها به ارزش‌های کاستی خود مانند شرافت و وفاداری کاستی شدند و سعی کردند تا جوامع بسته خود را درون آن جامعه تشکیل دهند اما به دلیل محدودیت مسکن و آشنا شدن نسل نوجوانشان با فرهنگ میزبان عملاً ناچار به پذیرش شکست خرده فرهنگ خود شدند. (گیدنز، ۱۳۸۹: ۴۳۶).

۲- برهم خوردن مناسبات خانوادگی و حمایت لیبرالیسم از آن: در ایالات متحده از تغییرات خانواده حتی در صورتی که به نابودی آن و ایجاد یک شکل و ساختار جدید منجر شود حمایت می‌شود. آنگونه که برخی مددکاران اجتماعی امریکایی (کالینز و همکاران، ۱۳۹۳) می‌نویسند: "ما از گوناگونی خانواده‌ها حمایت می‌کنیم. تنوع خانواده‌ها نه تنها تهدید کننده نیست بلکه باعث غنای آن

می‌شود. (کالینز و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۰)... اعتقاد این مدافعان به ایجاد تبعیض نژادی در صورت حمایت از نوع خاصی از خانواده است. "اگر خانواده هسته‌ای نوع اصلی و تنها نوع خانواده باشد افرادی که در این چارچوب قرار نمی‌گیرند برخی خدمات را نمی‌گیرند و تبعیض ایجاد می‌شود (همان: ۶۲)". در نظر این گروه، تحول در ساختار یا کارکردهای خانواده در حقیقت راه‌گریز انسان مدرن برای افزایش کیفیت زندگی خود است. دانشمندان مدرنیستی معتقدند انسان به سمت انزوا پیش می‌رود و برای حفظ خود ناگزیر گونه‌های جدیدی از خانواده را امتحان می‌کند. در چنین شرایطی خانواده تک نفره (در ایران در بسیاری موارد عذب‌های تاپایان عمر باکره)، خانواده‌های تک جنسیتی، خانواده‌های همباش، خانواده‌های چندزوجه و امثال آن نه تنها مورد حمایت بلکه برای دوام جامعه، ضروری و جزء انتخاب‌های مسلم اعضای جامعه محسوب می‌شوند. در کانادا در تعریف مرکز آمار کشور کانادا (۲۰۱۲) خانواده می‌تواند شامل زوج‌هایی از یک جنس یا دو جنس باشد.

۳- فرایند ایجاد دهکده جهانی یکی از مهمترین دلایل ایجاد خانواده‌های جدید است. از یک سوی، آشنایی مردم ایران با گزینه‌هایی که در سایر نقاط جهان انتخاب می‌شوند به خودی خود می‌تواند ذهن تنوع‌خواه و منتقد بشر را به تجربه این گزینه‌ها دعوت کند.

۴- محدودیت منابع (مسکن، درآمد، و...) یکی از دلایل تحولات خانواده است. خانواده‌ای که ناچار است در چارچوبی به مساحت گاهی کمتر از ۴۰ متر زندگی کند هم نفرت فرزندان از تشکیل خانواده را به همراه می‌آورد و هم بسیاری روابط پنهان بین والدین را در معرض دید فرزندان می‌گذارد.

۵- تغییر مناسبات اقتصادی و استقلال اقتصادی زنان علاوه بر تغییر نظام قدرت درون خانواده، الگوهای پذیرفته شده درون خانواده و تقسیم وظایف نهادینه شده زن و شوهر را به چالش کشید.

۶- امکانات تحرک اجتماعی موجب رشد طبقه متوسط شده و به دگرگونی خانواده کمک کرد. (بهنام، ۱۳۵۶: ۱۵) تحصیلات و مشاغل اداری باعث شده تا طبقات و حرکت بین طبقات با حداقل مانع صورت بگیرد.

نتیجه‌گیری و جهت‌گیری آینده

جامعه‌شناسان ساختگرایی مانند گروویچ معتقدند پدیده‌های مانند خانواده مدام در حال از ساخت افتادن و دوباره ساخته شدن است (صادقی فسایی و عرفانی منش، ۱۳۹۵) و مروری بر تحولات خانواده تا به امروز این نوبه نو شدن را به نیکی نمایان می‌سازد. همچنین تغییر در نهاد خانواده به عنوان یکی از مجموعه نهادهای بهم وابسته جامعه، بدون بررسی تغییرات در سایر نهادها امکان پذیر نیست. بنابراین تحلیل خانواده نیازمند تحلیل تغییرات و اثرمتقابل تغییر سایر نهادهاست.

قابل انکار نیست که خانواده جهان امروز در حال تغییر و تحول است. همانگونه که طی قرن‌ها و نسل‌ها این تحولات اتفاق افتاده است. اما سوال اساسی این است که تفاوت و شدت و حدت این تحولات به چه اندازه است؟ و این که آیا روند تحولات به سمت نابودی واحد خانواده در جوامع انسانی پیش می‌رود؟ به نظر می‌رسد درون خانواده ایرانی اتفاقاتی در حال وقوع است که برخی مقاومت‌ها امکان بروز یکباره آنها را نمی‌دهد و از جمله آنها می‌توان به حرمت خانواده هسته‌ای در فرهنگ رسمی و غیررسمی ایران و نیز مقاومت سنتی در برابر تغییرات اشاره کرد.

جامعه‌شناسانی مانند گیدنز، خانواده هسته‌ای را گونه مطلوب خانواده در وضعیت موجود می‌دانند و جامعه‌شناسان ساختی، کارکرد انعطاف خانواده به نفع حفظ کلیت نظام را ضروری می‌دانند و از سوی دیگر رویکردهای رادیکال‌تر به حفظ وضع موجود به دیده تحقیر و نفرت می‌نگرند و معتقدند هرگونه ساختاری می‌تواند باعث سوءاستفاده صاحبان قدرت باشد و بنابراین از تغییرات اساسی در آن استقبال می‌کنند.

همچنان که در این مقاله بحث شد، هدایت کنندگان جامعه پذیری و انتقال بین نسلی فرهنگ، نقش‌های برون سپاری شده، ساختار قدرت متحول شده، انقطاع بین نسلی، ارزش‌های بعضاً متعارض و تغییر در مفاهیم مرتبط با تولید موالید، بخشی از چالش‌هایی‌اند که خانواده دیروز در متن اجتماعی امروز باید به آنها پاسخ بدهد. این پاسخدهی تا کنون با ابزارهایی مانند ارزش‌های سنتی، مقاومت ایرانیان در مقابل تغییرات بیرونی و هم‌نوايي دو رکن مهم ساماندهی جامعه یعنی مذهب و حکومت با سنت انجام شده است. اما از سوی دیگر، محرکهایی مانند تحرک اجتماعی، کمبود منابع اقتصادی و درآمدی، کمبود مسکن و مفهوم جهانی شدن نیز همراه قدرتمندی برای این مقاومت‌ها محسوب می‌شوند که اگر در مقابل آنها چاره جویی نشود بعید است وضعیت رایج بتواند سنت‌ها را نگاه دارد. بررسی قوانین و مقررات رسمی کشورهای جهان در خصوص خانواده و ازدواج نشان می‌دهد که در کشورهای اسکانديناوي و ایالات متحده موضوع انواع خانواده به ویژه همباشی‌ها به لحاظ قانونی پذیرفته شده است. اما در سایر کشورها در منابع قانونی و آماری، به همباشی پرداخته نشده است اما خانواده‌های تک‌والدی و تک‌نفره فراوانی بسیاری یافته‌اند. در ایران نیز با افزایش نرخ طلاق و کاهش نرخ ازدواج و نیز افزایش میانگین سن ازدواج به نظر می‌رسد که در آینده باید منتظر کاهش فراوانی خانواده‌های هسته‌ای دو‌والدی و ایجاد و گسترش سایر انواع خانواده بود. با استفاده از رویکرد کارکردی-ساختی می‌توان پنداشت که تحول خانواده در آینده بدیهی و طبیعی است و خانواده برای بقای خود راهکارهای انطباقی را در پیش خواهد گرفت. آنچه سیاستگذاران جامعه ایرانی باید در ذهن داشته باشند کسب آمادگی در مقابل سوالاتی است که در ذهن جوانان برای استدلال‌ات مذاق‌ان انواع خانواده ایجاد می‌شود. اگر پاسخ مناسبی برای این سوالات ایجاد نشود و جامعه فضای گفتگو را برای نسل جدید مهیا نکند چالش‌های بعدی چندان دور از انتظار نخواهد بود.

تأکید بر این ادعا که تحولات جامعه ایران و به طور خاص تغییرات خانواده تحت تأثیر فرهنگ غربی و مسیر تحولات آن در تعقیب تحولات غرب است نیازمند بررسی‌های بیشتر و همه جانبه تر است اما بر اساس آنچه در این مقاله مرور شد می‌توان تا حدودی این ادعا را درک کرد که بسیاری از الگوهای اشکال جدید خانواده در ایران مستقیم یا غیرمستقیم اندکی بعد از وقوع در برخی کشورهای غربی به وقوع پیوسته‌اند و شاید شکل تغییر یافته ایرانی از خانواده چندان بارز نباشد. این امر می‌تواند از این حیث قابل تأمل باشد که آنچه در سنت ایرانی (به عنوان یک فرهنگ شرقی) ارزشمند و شاید ارزشمندترین بوده در معرض تغییری قرار گرفته که از درون ایجاد نشده و برون از بودن تحولات اجتماعی ممکن است به برداشت سطحی و پوسته‌ای بدون ادراک دقیق، عمیق و فلسفی از آنها منجر شود.

به نظر می‌رسد که در جامعه ایران که دوره گذار را می‌گذراند برخی هنجارهای مدل مقبول در سنت‌های ایرانی برقرار مانده است که گاهی با تغییرات جدید فرهنگی هماهنگ نیست. از این جهت به نظر می‌رسد تقویت فرهنگ گفتگوی بین نسلی امکان و فرصت بیشتری برای سازگاری هنجارهای قدیم و جدید به همه افراد جامعه خواهد داد. همچنین بایسته است که سیاستگذاران و تحلیلگران الگوی متناسبی برای تغییرات خانواده در ایران بیابند یا بسازند تا مدلی برخاسته از نیازها و شرایط خاص ایرانی ایجاد گردد. بهره‌گیری از مدل‌های تحلیل غربی ممکن است فرصت بررسی دقیق تغییرات را به ما ندهد و رضایت و همراهی ذینفعان را به همراه نداشته باشد.

تقدیر و تشکر

این مقاله مرهون مشورت و تشویق‌های ارزشمند جناب آقای دکتر میرطاهر موسوی است که نویسندگان به این وسیله از ایشان تشکر می‌نمایند.

منابع

- آخوندی، نیلا. (۱۳۸۶)، مطالعه وضعیت اعتیاد در فرزندان طلاق ارجاع داده شده به مرکز اصلاح و تربیت تهران. *مجله علمی-پژوهشی پیک نور*، دوره ۵ شماره ۱.
- آزادارمکی، تقی؛ زند، مهناز؛ خزایی، طاهره. (۱۳۷۹)، بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی: با تأکید بر مقایسه مراسم، آداب و کارکردهای حمایتی. *نامه علوم اجتماعی*. شماره ۱۶.
- ایلچ، ایوان. (۱۳۸۹)، *مدرسه زدایی از جامعه*. ترجمه: داور شیخاوندی. تهران: انتشارات گیسا.
- بستان، حسین. (۱۳۸۸)، کارکردهای خانواده از منظر اسلام و فمینیسم. *فصلنامه حوزه و دانشگاه*، شماره ۳۵.
- بهروان، حسین؛ بهروان ندا. (۱۳۹۲)، نقش اختلافات و عوامل خانوادگی در ارتکاب جرم و بزهکای جوانان، *نخستین همایش ملی خانواده و امنیت*، دانشگاه یزد.
- بهنام، جمشید. (۱۳۵۶)، *ساختار خویشاوندی در ایران*. تهران: نشر خوارزمی. چاپ سوم.
- پروین، ستار؛ داودی، مریم؛ محمدی، فریبرز. (۱۳۹۱)، عوامل جامعه شناختی موثر در طلاق عاطفی در بین خانواده‌های تهرانی. *مجله مطالعات راهبردی زنان*. سال ۴. شماره ۵۶.
- توسلی، غلام عباس. (۱۳۸۰)، *نظریه‌های جامعه شناسی*. تهران: انتشارات سمت. چاپ هشتم.
- خبرگزاری تسنیم. (۱۳۹۴/۶/۲۱)، آمار طلاق در شمال تهران به مرز ۶۰ درصد رسید. مصاحبه با مدیر کل آمار و اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال کشور. شناسه خبر: ۸۵۶۳۱۳

- خبرگزاری مهر. (۱۳۹۵/۲/۲۱)، ۲۲۰ هزار سقط جنین در کشور/ آمار سقط ۱۵ برابر کشته‌های تصادف در سال. شناسه خبر: ۳۶۲۰۶۳۸
- چیل، دیوید. (۱۳۸۸)، *خانواده‌ها در دنیای امروز*. مترجم: محمدمهدی لبیبی. تهران: انتشارات افکار
- رابرتسون، یان. (۱۳۷۷)، *در آمدی بر جامعه*. ترجمه: حسین بهروان. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی. چاپ سوم.
- ساروخانی، باقر و صداقتی فرد، مجتبی. (۱۳۸۸)، شکاف نسلی در خانواده ایرانی، دیدگاه‌ها و بینشها. *پژوهش نامه علوم اجتماعی*. سال سوم. شماره ۴.
- *سازمان ثبت احوال کشور*. ازدواج و طلاق‌های ثبت شده و نسبت ازدواج به طلاق در نه ماهه ۹۴. برگرفته در ۵/۴/۱۳۹۵ از: <https://www.sabteahval.ir/Default.aspx?tabid=4822>
- صادقی فسائی، سهیلا؛ عرفان منش، ایمان. (۱۳۹۲)، تحلیل جامعه شناختی تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی و ضرورت تدوین الگوی ایرانی اسلامی. *زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۵، شماره ۱.
- صالحی، جواد؛ پور محی آبادی، حسین؛ سالاری راد، معصومه. (۱۳۹۱)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر بزهکاری اولیه و ثانویه کودکان. *مجله مهندسی فرهنگی*. شماره ۷۳ و ۷۴.
- فروید، زیگموند. (۱۳۶۲)، *توتم و تابو*، ترجمه: ایرج پورباقر، تهران: نشر آسیا
- قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ مجلس شورای اسلامی. روزنامه رسمی شماره ۱۹۸۳۵ مورخ ۲۲ فروردین ۱۳۹۲
- کرایب، یان. (۱۳۷۸)، *نظریه اجتماعی مدرن: از پارسونز تا هابرماس*. تهران: نشر آگه
- کالینز، داندل؛ جردن، کتلین؛ کولمن، هیتز. (۱۳۹۳)، *مددکاری اجتماعی کار با خانواده*. ترجمه: فریده همتی. تهران: انتشارات سمت.

- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۹)، *جامعه شناسی*. مترجم: منوچهر صبوری کاشانی. تهران: نشر نی. چاپ بیست و چهارم
- محمدی، علی رضا. (۱۳۸۶)، *انقلاب نسل‌ها: انقلاب اسلامی و مواجهه با نسل سوم*. پگاه حوزه. شماره ۲۰۷.
- مظاهری سیف، حمیدرضا. (۱۳۸۴)، *تعریف نسل سوم*. ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر. سال ۴. شماره ۳۱ و ۳۲.
- مصرآبادی، جواد. (۱۳۸۱)، *بررسی تفاوت نظام‌های ارزشی نوجوانان با والدین در شهر قم*. مجله نامه قم، سال پنجم شماره ۱۷ و ۱۸.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۵۷)، *خدمات متقابل اسلام و ایران*. قم: نشر صدرا. چاپ نهم
- نعمتی، معصومه. (۱۳۹۱)، *مطالعه رابطه گرایش به اعتیاد با زندگی نامه و نوع ارتباط با والدین در چرخه رشد جوانان ۲۰ تا ۴۰ ساله شهرستان کرج*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه علامه طباطبائی
- یزدانی، عنایت الله؛ قادری علی. (۱۳۹۰)، *شکاف نسل‌ها؛ بررسی جامعه شناختی فاصله نسل‌ها از انقلاب اسلامی تاکنون*. مجله مطالعات انقلاب اسلامی. سال ۸. شماره ۲۴.

- Australian bureau of statistics(2010) A Picture Of Australian Families And Communities 2010 retrieved 2016/06/27 from:
[http://www.abs.gov.au/ausstats/abs@.nsf/Lookup/by%20Subject/1370.0~2010~Chapter~A%20picture%20of%20Australian%20families%20and%20communities%20\(4.5.6\)](http://www.abs.gov.au/ausstats/abs@.nsf/Lookup/by%20Subject/1370.0~2010~Chapter~A%20picture%20of%20Australian%20families%20and%20communities%20(4.5.6))
- Census of India Organization. retrieved 2016/06/27 from:
<http://www.dataforall.org/dashboard/censusinfo/>

- Copen, Casey; Daniel, Kimberly; Mosher, William. (2013). *first Premarital Cohabitation in the United States: 2006–2010 National Survey of Family Growth*. Department Of Health And Human Services
- Duman, Fatih. (2012). The Roots of Modern Feminism: Mary Wollstonecraft and the French Revolution. *International journal of humanities and social science*. Vol2. No 9. Pp 75-89
- Government of Netherlands. 2016. Marriage, registered partnership and cohabitation agreements. Retrieved 2016/06/27 from:
<https://www.government.nl/topics/family-law/contents/marriage-registered-partnership-and-cohabitation-agreements>
- Lee, Kristen Schultz; Ono, Hiroshi. (2012). Marriage, Cohabitation, and Happiness: A Cross-National Analysis of 27 Countries. *Journal of Marriage and Family*. Vol 74. Issue 5. Pp 953-972
- Official website of the European Union retrieved 2016/06/27 from:
http://europa.eu/youreurope/citizens/index_en.htm
- Statistics Bureau of Japan. Family Type of Household Used in the 2005 Population Census of Japan retrieved 2016/06/27 from:
<http://www.stat.go.jp/english/data/kokusei/2005/family.htm>
- Statistics Canada. 2012. *Portrait of Families and Living Arrangements in Canada: Families, households and marital status, 2011 Census of Population*. Retrieved July 2, 2014, from:
<http://www12.statcan.gc.ca/census-recensement/2011/as-sa/98-312-x/98-312-x2011001-eng.pdf>
- Statistics Finland 2015. Family type. Retrieved 2016/06/27 from:
http://www.stat.fi/meta/til/perh_en.html
- Statistics South Africa. (Stats SA) retrieved 2016/06/27 from:
http://www.statssa.gov.za/?page_id=3839
- United Nations. (1948). *Universal declaration of human rights*. Retrieved July 11, 2005, from: <http://www.un.org/Overview/rights.html>